

شهرهای کوچک بزرگ تر از آن هستند که ما تصور می کنیم

مطالعه نوآورانه سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد(فائو) در تهیه نقشه حوزه های نفوذ شهری-روستایی راه هایی را برای بهینه سازی سیاستگذاری، برنامه ریزی و هماهنگی خدمات سیستم های کشاورزی- غذا مطرح می کند.

رم- ۱۲ ژانویه ۲۰۲۱- بر اساس تحقیقات جدید سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد(فائو) و دانشگاه توئنته (Twente) کشور هلند، کم تر از یک درصد از جمعیت جهان در مناطق واقعاً دور افتاده زندگی می کنند و ضرورت دارد که چگونگی تأثیر اشکال زندگی شهری بر سیستم های غذایی و همچنین توسعه اجتماعی و اقتصادی آن ها به شکلی مناسب شناخته شود .

گزارش مطالعه حاکی از آن است که نقاطی همچون شهرهای کوچک، بخش ها و روستاها در حوزه نفوذ خود در چگونگی معیشت مردمان نقش بزرگ تری ایفا می کنند. گزارش تصریح می کند:

"نقشه جهانی از حوزه های نفوذ شهری و روستایی دسترسی نابرابر به خدمات را نشان می دهد". این گزارش منحصراً توسط مجموعه مقالات آکادمی علوم ملی (PNAS) منتشر شده است. این امر به ویژه در کشورهای کم درآمد که شهرهای کوچک و حوزه های نفوذ آن ها تقریباً مسکن دو سوم کل جمعیت این کشورهاست بیش تر دیده می شود. به نظر "آندریا کاتانو Andrea Cattaneo" و "ترزا مک منومی Theresa McMenomy" دو اقتصاددان فائو و پروفیسور "اندی نلسون Andy Nelson" از دانشکده علوم اطلاعات جغرافیایی و مشاهدات زمین دانشگاه توئنته، چشم اندازهای این تحقیق "پیامدهای سیاسی نیرومندی دارد، از جمله از دسترسی به خدمات بهداشتی گرفته تا سازماندهی سیستم های تامین غذا در سطح منطقه ای در شهر و تسهیل تحرک بیش تر در عین مهاجرت کم تر" را در بر می گیرد. با استفاده از چندین مجموعه داده فضایی و محاسبه زمانی که جمعیت روستایی برای رسیدن به مراکز اصلی شهر مجاور لازم دارد، آنان دریافتند که مناطق نیمه شهری حدود ۴۰ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده اند؛ به همان اندازه که جمعیت پیرامون شهرهای کوچک، متوسط و بزرگ توزیع شده است. این نتایج مرکزیت شهرهای بزرگ را در روایت ها و برنامه های توسعه به چالش می کشد. اغلب، سیاست های طراحی شده برای ساکنان شهرها نواحی نیمه شهری را نادیده می گیرند و کشاورزان بر ضرورت هماهنگی بیش تر میان مقامات اداری شهر و روستا برای کمک به این جمعیت های بینابینی تاکید می کنند تا از مجاورت با شهرها و بخشداری ها برای دسترسی به آموزش، خدمات و فرصت های شغلی به گونه ای کارآتر بهره گیرند .

یک واقعیت کم تر دیده شده در مورد آمار جمعیتی است که

در نواحی با دسترسی زمانی بیش تر از سه ساعت به امکانات شهرهای بالای بیست هزار نفر جمعیت زندگی می کنند. برای مثال در سطوح ملی آمار جمعیت نواحی دور افتاده در سه کشور بالای ده میلیون نفر جمعیت، یعنی کشورهای ماداگاسکار، نیجیر و زیمبابوه بالاتر از ۵ درصد رشد کرده است. کاتانو معتقد است:

"شهری و روستایی مدتهاست که جدای از هم انگاشته شده اند. برنامه های توسعه باید بر دسترسی

روستاییان به فرصت های شغلی و خدمات مراکز شهری نزدیک تمرکز کنند و بدانند که مراکز شهری جزایری جداگانه نیستند". این موضوع نکته ای است که از نقشه های این مطالعه می توان استنباط کرد .

این پژوهش با باز تعریف "نواحی نفوذ شهری-روستایی"

انگاره های پیشین برنامه ریزی را پالایش می نماید. این مفهوم بیانگر تعاملات در هم تنیده میان مراکز شهری و نواحی پیرامونی روستایی است و این مهم را با رهیافتی شبکه ای بر روی نقشه هایی پیاده می نماید که در آن ها پیکسل ها معادل یک کیلومتر بوده و مقایسه میان کشورها را تسهیل می نمایند .

این مجموعه داده ها

در قالب یک اپ (app) مکانی دم دستی تهیه می گردد که محصولی عمومی را در سطح جهانی برای برنامه ریزان در هر نقطه و "نمایشی مداوم، جامع و چند بعدی از بیوستار شهری-روستایی" فراهم می نماید. پروفیسور نلسون معتقد است:

"زنجیره های کشاورزی-غذا نواحی روستایی و شهری را به یکدیگر متصل می نمایند. مجموعه داده های ما در عین حال هم پژوهش و هم سیاستگذاری را برای تحول در سیستم های تامین غذا در مسیر پاسخگویی به تقاضاهای رو به فزونی بازارهای شهری پشتیبانی می نماید."

این یافته ها روشن می سازند که این ذهنیت که بر اساس آن کشورهای پر درآمد شهری ترند بسیار ساده انگارانه است. برای مثال بیش تر از نصف جمعیت های روستایی در کشورهای کم درآمد در نواحی با تراکم جمعیتی بالا زیست می کنند؛ شش برابر بیش تر از جمعیت مشابه در کشورهای پر درآمد. این موضوع تا حدودی بیانگر تمایل بسیار اسکان در حومه های کم تراکم در میان ملت های مرفه و همچنین روشی است که توسط زیر ساخت جاده زندگی را در مسافت های دورتر نسبت به مراکز "حوزه نفوذ شهری-روستایی" محلی ساده تر می سازد .

متأسفانه، شواهد نشان می دهند که در حالی که اکنون شهرهای بزرگ بیش از ۴۰ درصد جمعیت شهری جهان را در خود جای داده اند(این میزان برای کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب تقریباً ۵۰ درصد است)، این شهرها نسبت به شهرهای کوچک تر افراد کم تری را به مدار عملکردی خود می کشانند. غلبه شهرها و بخش های کوچک و حوزه نفوذ آن ها در کشورهای با درآمد سرانه پایین تر بیانگر نیاز به سیاست هایی است که به سمت بهبود فرصت های اشتغال غیر کشاورزی، آموزش، خدمات بهداشتی و همچنین سیستم های محلی تامین مواد غذایی و مباحث دیگری نظیر راهبردهای مناسب کاربری زمین و سرمایه گذاری زیر ساختی در حمل و نقل هدفگذاری نمایند .

داده های فراهم شده می توانند از چشم انداز سرزمینی پیش تر آزمون شده در کشورهای پر درآمد حمایت کنند که پیوندهای در هم تنیده میان شهرها و نواحی روستایی پیرامون شان را در نظر می گیرد و به دسترسی بیش تر به فرصت های اشتغال غیر کشاورزی، یک سیستم جامع تر کشاورزی-غذای محلی و مهاجرت کم تر منجر می گردد.

در نقشه هایی که در این برنامه در دست تهیه است موقعیت شهرهای کوچک، متوسط و بزرگ، بخش های پراکنده و نواحی دور افتاده و همچنین مدت زمان دسترسی به مراکز شهری برای نقاط روی نقشه ها لکه گذاری و پهنه بندی می گردد .

منبع :

<http://www.fao.org/news/story/en/item/1367925/icode/>